

کتابخانه ایرانی
Iranische Bibliothek in Hannover
۹۵۵۱

روزنامه جنگ ایران و عراق
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
بیکار
دوشنبه ۱۰ آذر - ۱۳۵۹
صفحه ۴

خبرنامه جنگ - ۹

- گفتگوی بیک جنگ زده خرمشهری
- از نامه یک سرباز آگاه در جبهه خوزستان
- زخمی شدن یک زن زحمتکش در صف کوبین

صفحه ۴
صفحه ۴
صفحه ۴

اوضاع فلاکت بار زندگی آوارگان

صفحه ۳



جنگی باعث آوارگی سوده های زحمتکش گردیده است. از رژیم جمهوری اسلامی
وزیرم جمهوری عراق مسئین اصلی فلاکت سوده های ما است.

جنبش آوارگان جنگ

باسداران ارتجاع رودر روی آوارگان جنگ زده

رامهرمز:

در تاریخ ۸/۱۲، در یکی از دبیرستانهای رامهرمز، یکی از خانواده های جنگ زده که فاقد سرپناه بودند تصمیم میگیرند که با جوب و حصیر "اتاقی" در مدرسه برای خود درست کنند، که با مخالفت شدید مدیر مدرسه روبرو میگردند. خانواده زحمتکش که پس از تحمل سختیهای ناشی از جنگ ارتجاعی جان به لبش رسیده بود، تحمل زورگویی مدیر مدرسه را نکرده و با میله آهنی به او حمله ور میگردند. مدیر هم باسداران ارتجاع بقید در صفحه ۴

رویزیونیست ها، نوکران سرمایه داران هستند

صفحه ۳

پای صحبت زحمتکشان

فریاد از گرانی

اتومبیل از ظروف طویل سترین درمندان "آرادی" ردمیت، راننده به گراسی سترین اشاره کردیم مردم ساغری گفت: "ا ملامیدونی که چرا سترین قیمتش به را برشد؟ برای اسنگه میواد سوجنی کافی برای جنگنده ها داشته باشند! راننده گفت: "بدجنی ما از این سعادت که تمام حسارتهای جنگ از دسترنج ما ما من خواهندند" مسافردیگری گفت: "بس چراغند و شکویدند همیشه، شکرکه مواد سوختی نیست، تمام این کمیودوگرانی از جنگ ناشی میشود" سرجوانی گفت: "نداقا شکر و گوشت... چه ربطی به جنگ دارند همایش بقصر احتکارکننده هاست" (دیگری در پاسخ او گفت: "مگر محترکین چه کسانی جز سرمایه داران هستند که الان تمام قدرت و اختیارات مملکت دست آنهاست. آنها هستند که از این بقید در صفحه ۴

صف کوبین بنزین و اعتراضات توده ها

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه تعداد زیادی از رانندگان تاکسی و تاکسی باربری شهیه نوین بنزین به فرمانداری مراجعه و فرماندار هم پس از گفت و گو با آنان آنها را به بانک صادرات حسن آباد پاس میدهد. بعد از خروجت بار رئیس بانک صف میبندند پس از دادن کوبین به چند راننده تاکسی اعلام میکند که نمیتوانند به و انت بارها کوبین بدهند. در این موقع راننده ها به داخل بانک میریزند ولی ما مورس بقید در صفحه ۲

بیکار شدن ۲۲۰۰ کارگر بندری خرمشهر!

کارگران و کارکنان شرکت های ایران ترمینال، بارفومسی، اسنودورینگ و... بندر خرمشهر که جمعا ۲۲۰۰ نفر میباشند، بعد سال جنگ ارتجاعی رژیمهای ایران و عراق و اشغال خرمشهر برای رسیدگی بوضع کار و زندگی آنان در روزهای متعدد (۱۸ تا ۱۹ آبان) به اداره بندر و کشتیرانی مراجعه و حقوق عقب مانده شان را میخواهند ولی مسئولین شرکت ها با منطق همجنی سرمایه داران اعلام میکنند که اس بقید در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ بای ...

جنگ حمایت میکنند من خرده فروش یا راننده و کارگر؟! را ننده افزود: "آقا با نده سالی که در خارج بوده هفت از آزادی مردم، از آزادی تلویزیون صحبت میکرد پس چرا نمیگذازند مردم از آزادی تلویزیون دردهایشان را بپسرای یکدیگر بگویند، چرا جوانان این کشور را شکنجه میدهند (با اشاره به "مجاهد" و "ویژه سادسسی") مسافر دیگری افزود که: "حالاتی تحمل حرفهای نور چشم و عزیزانشان (اشاره به قطب زاده مرتجع) ندارند!"

● دود جنگ به چشم کارگران و دیگر زحمتکشان می رود:

زن زحمتکشی از اهالی "زورآباد" (کرج) از رنج و درد زندگی شان صحبت میکرد. میگفت با هزار بدبختی و کتک و زندان برق و آب گرفتیم. برق که به بهانه خاموشی، شبها قطع میشود و روزها همگاهی یکی دوساعت برق داریم. آب هم مثل سابق بیشتر قطع است. شوهرم کارگر است و چهار تا بچه داریم. روزی صد تومان مزد میگرفت پس از شروع جنگ ۳۰ تومان بسرای کمک به هزینه جنگ کم کرده اند و هر چه بپوهرم و دیگر کارگران (پل جا ده قدیم کرج) اعتراض کرده اند و توجیهی نکرده و حتی تهدید به اخراجشان کرده اند. با این پول کم و گران چکار کنیم؟ خرج مدرسه بچه ها، خرج بیماری، خرج لباس و... را چه کنیم؟ ماها غذای گرم نمی خوریم به هرحا که میرویم میگویند جنگ است و قشبی "انقلاب" شد خیال میکردیم خوشبخت خواهیم شد ولی امفها ن عوض نشد. حالا هم جنگ خوب بهانه ای شده که ما را سر بدارند، بولدارها که طوریشان نمیشود!

● مرگ خوبست ولی برای همسایه!

گروهی از زحمتکشان "زورآباد" در حدود ۱۰ نفر در مورد جنگ صحبت میکردند، تقریباً همگی با دولت مخالف بودند. زنی میگفت دولت ما هم در شروع جنگ تقصیر دارد، مگر میشود بی زور دولتهای دیگر را عوض کرد (و بزبان ساده اشاره "مدور انقلاب اسلامی" اشاره میکرد). زحمتکشی میگفت "هی از مردم می خواهند جنگ ببرند، پس چرا خودشان نمی روند و جوانهای این کشور را به کشتن میدهند؟" همگی حرف او را تائید میکردند و مرتب با کلماتی ساده خشم خود را نسبت به هیئت حاکمه نشان میدادند.

● زحمتکشان با جنگ ارتجاعی مخالفند!

درمیی بوس کرج - تهران صحبت از جنگ بود و مشکل میکن و گران، نزدیک به سی نفر مسافره که اکثر آنها کارگر و زحمتکش بودند با جنگ مخالف بودند. دسته دسته هر کدام را ج به یک

سری از مشکلات گریبانگیر زحمتکشان حرف می زدند. مسکن شمال شهری ها را با خانه های محقر خود مقایسه میکردند. یکی میگفت هیچ دیده اید که "یکی از بزرگان قوم مثل رستجانی بیسای بهشتی در جنوب شهر بس "متضعفان" زندگی کنند. اکثر از عوام غریبی های دولت متنفذ بودند. یک کارگر "اکباتان" که کله فندی هم در دستش بود میگفت دولت شما مسکن ندا دو حلاهم شما بلای جنگ را سرما خراب میکند. "حالا میخواستیم ما را به جبهه بفرستند". "ما کارگران اکباتان ۴۰۰۰ نفریم که یک عدد که اهل گیلان غرب بودند بخاطر خواهش ما به جبهه رفته اند و الا هیچکدام از ما حاضر نیستیم به جنگ برویم، پس جنگ برای ما هیچ سودی ندا در جز قحطی و بیچارگی این کله قندرا هم برای رفقایم گرفته ام". در بین ۲۸ نفر فقط یک نفر مدافع سرخست جمهوری اسلامی بود که تا میخواست عوام غریبی کند با اعتراض دیگران روبرو میشد و به همین جهت هم کمتر حرف میزد. زحمتکش میانسالی با صدای رسا میگفت: "عزیزان من ما از این دولت جز اینها انتظار نداریم، سرمایه داری ذاتش همینطور است، بگذار جنگ تمام شود و مردم بدبختی های جنگ را بیشتر و بهتر تحس کنند، آنوقت عمارین رژیم نیز کوتاه تر خواهد شد.

● جنگ بلای جان زحمتکشان!

زن کارگری از سختی و گران زندگی صحبت میکرد. میگفت که: "چه انقلابی؟ هیچ چیز عوض نشده، شما خانه دادند؟ نه، تازه با این جنگ شان روز بروز فشارشان هم بیشتر شده. در کارخانه های میگویند بیشتر کارکن. دید که کم رو گردن برایم شما نداده اید پس جبهه زدیم". میگفت: "در این جنگ کی ها کشته میشوند؟ چه بچه های ما؟" زن زحمتکش دیگری از اهالی جنوب تهران میگفت: "با این جنگ همه چیز گرانتر شده، فشار جنگ بیشتر روی دوش ما فقیرهاست. اضافه کرد "هرکی کشته شده از جوانان پائین شهر بوده" میگفت "با این جنگ و بعد از آن پول این همه اسلحه ها را کس میخواست بدهد بعد از ما؟"

مرد زحمتکشی که مستخدم بود میگفت "هی تو را دیو تلویزیون میگویند فلان جا را تا نبود کردیم و اینقدر تانک و... تا بوهش، با این حساب میبایست تا بفدا دبیش رفته باشند و لسی می بینیم که خر مشهور می گیرند. معنی این حرف اینست که اینها همه اش دروغ میگویند" اضافه کرد: "یک نفر میگفت آید در دریا بگیرد، یک نفر دیگر پیدا شد و به او میگفت که دزد همین است او را بگیرد، بالاخره معلوم نشد که کدام دزد هستند، حکایت دولتهای ما (اشاره به ایران و عراق) هم حکایت همین "دزد را بگیر" است."

زن زحمتکشی که شوهرش کارگر کا رخانه ارج است میگفت که دور و زحمتکش شوهرش را نبینا نه

بقیه از صفحه ۱ صف ...

سلح بانک و شهرهای آنها را بیرون میکنند و زحمتکشان راننده در مقابل بانک جمع شده و شعار میدهند و شروع به بحث مینمایند و نظرات رانندگان قاطعتر میشود.

رانند های میگفت: "اینجا جنگ راه انداخته اند، بدبختی اش را باید ما بکشیم. تا کسی ملت ما باید فدای این رژیم شود". اغلب رانندگان او را تائید کردند و کسی مخالفی با گفته وی نکرد.

ساعت ۴ رنج راننده ها با فشار وارد بانک شدند و سر از نیم ساعت بلا تکلیفی سروکله میگرداند. جی ها پیداشد. پاسداری شروع به نطق کرد: "بسم الله الرحمن الرحیم دولت جمهوری اسلامی به کسی باج نمی دهد... که راننده ها با هو صحبت را قطع کردند. اضافه کرد که می توانند اول آن در میایند و کپین بگیرند و باید بانک را ترک کنید ولی آنچنان خشمی راننده ها را فرا گرفته بود که کسی را با زان آرم کردن - شان نبود. آنها از زحمتکشان در انقلاب و از وضع زندگیشان و اینکه باید شک بچه هایشان را سیر کنند گفتند و متحدانه در مقابل پاسداران ایستادگی کردند و بالاخره توانستند با اتحاد عمل خود و ضمن افشاگریهای فراوان هماتروز کپین بنزین دریافت کنند. فرماندار سعی کرد چند بار آنها را به فرمانداری بکشاند ولی آنها بتوطئه های ارتجاع آشنا بودند و تار سیدن به همدشان محل بانک را ترک نکردند و باز هم ثابت کردند که اتحاد زحمتکشان، درهم کوبنده ارتجاع است. ■

رفقای کمیته خوزستان!

۶ شماره از خبرنامه جنگ از انتشارات کمیته خوزستان سازمان پیکار بدست ما رسید. با ارج نهادن به تلاش شاد رانندگان مسائل و اخبار مربوط به جنگ ارتجاعی کنونی سازمان دهی مبارزات توده ها، موفقیت شعارادر انجام وظایف مبارزاتی آرزو میکنیم. ■

جنگ کم کرده اند ولی روی ورقه سید پوشته اند برای خرید محصول و قسط خرید محصول را هم از او گرفتند و کارگران هم قصد دارند اعتراض کنند. زحمتکشان که با ارامی این جنگ ارتجاعی را بدوش می کشند، در مقابل تشبیهات رژیم زبان به اعتراض گشوده اند.

باش تا صبح دولتیش بدمد

کاین هنوز از تازیج سحراست ■

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه از صفحه ۱ روزیونیستهای "اکثریت" ...

● برای روزیونیستهای "اکثریت"

ارتش آزادبخش ویتنام و پاسداران یکی است

گرمسار: هواداران اکثریت فدائیان برای فریب مردم اقدام بنمایش یک فیلم کوتاه از قهرمانیهایی خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا نمودند. پس از پایان فیلم یکی از روزیونیستهای "اکثریت" در مورد مبارزه خلق ویتنام صحبت کرده و اثرات جنگ فعلی ایران و عراق مقایسه کرده و نقش پاسداران سرمایه را با ارتش آزادبخش ویتنام مقایسه کرده و از آنها ستایش میکند که مورد اعتراض مردم آگاه و هواداران نیروهای انقلابی قرار میگردد. تنگ بر روزیونیستهای که تاریخ مبارزات خلقها را برای خدمت به بورژوازی تحریف میکنند.

● روزیونیستهای فدایی (اکثریت)

همدوش پاسداران ارتجاع

(۷/۲۵)

هواداران سازمان روزیونیستهای فدایی (اکثریت) که به تبعید از مملکت بورژوازیستان گمراهت بدفاع از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بسته اند و مراسم تجلیلی که از طرف روابط عمومی سپاه پاسداران را مهرزبه خاطر گذشته شدن محمدپورکیان (فرمانده سپاه را مهرمز) و احمدی (معاون سپاه پاسداران خوزستان) برگزار شد، شرکت نموده و با بیبهای پاسداران ارتجاع شعارهای آنها را تکرار میکردند:

"ما همه پیرو حط امامیم"، "پاسداران گلپای انقلابند، ارتشیان سنگرا انقلابند"، "ارتشیان سنگرا انقلابند" و هنگامیکه یکی از پاسداران از توده های آواره شهرهای جنگ زده میخواست که به شهرهای جنگی برگردند تا بپایدا اکثریتی ها رو برو میشود.

از طرف دیگر همین هواداران که با سپاه پاسداران در تنگنایی و گشت محلات همکاری میکنند، هواداران سازمان ما را به هنگام بخش اعلامیه در یکی از محلات را مهرمز مورد تعقیب قرار میدهند و در توجیه کارشان میگویند: "هواداران بیکار رگفته اند که اگر شما اعلامیه بخش کنید، بچه های ما را میکینند!"

خیانت به انقلاب و نوکری و جاسوسی برای بورژوازی، حرفه همه روزیونیستهای خائن است.



بقیه از صفحه ۱ انواع ...

● وضعیت آوارگان مستقر در شادگان

از آنجاکه بخش شادگان عرب نشین میباشد اکثر خلق عرب جنگ زده خورشیدرو آبادان به آنجا کوچ کرده اند و در جاده های که هلال احمد را اختیارشده قرار داده، زندگسی میکنند.

وضع بهد اش آوارگان به شدت خراب است و انواع بیماریها (از جمله وبا و مالاریا) و جانورانی مانند عقرب و مار صحرایی نیز جان زحمتشان را تهدید میکند.

چون شادگان گنجایش جمعیت بیش از ۲ هزار نفر را نداشته و هم اکنون جمعیت به ۲۰۰ هزار نفر رسیده، مواد غذایی نیز به سختی پیدا میشود. رژیم با قاحت تمام بدون اینکه احتیاجی فکرازمین بردن مشکلات توده های جنگ زده را به مغز ز راه دهد، فرماندار ارتجاعی را برای فریب زحمتکشان به سراغ آنها میفرستد و وی به آوارگان اعلان میکند که: "از آنجائیکه این منطقه جنگی است و امکان آمدن سبیل نیز وجود دارد، خود را مسئول میدانید تا شما را از این منطقه خارج سازیم و به جبرفت کرمان و نجف آباد بفرستیم".

یکی از مسئولین هلال احمد در جواب سؤال "اگر مردم مقاومت کردند، چه خواهید کرد؟" پاسخ میدهد: "چادرها را از آنها میگیریم و هر جا که خواستند بروند چون مانع کار ما اینجا کسی باشد!"

عوامل رژیم دروغهای یکدیگر را فاش میکنند یکی میگوید برای کمک میخواهیم آوارگان را انتقال دهیم، دومی میگوید اگر چادرها را ندهند از آنها میگیریم!

اما آوارگان زحمتکشان بهیچ ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را شناخته اند. آنها میدانند که بخاطر درد و کردن آوارگان از دیگر مردم و برآکنده نمودن آنها در شهرهای مختلف اولاً تشکل و همبستگی آنان را از بین برد و دوماً مانع از تماس این زحمتکشان با توده ها می شوند. بهمین خاطر آوارگان در مقابل این توطئه مقاومت کرده و شهر را ترک نمیکنند. آوارگان بحق میگویند که اگر آنها آسایش را میخواهند در همینجا کمبودهای ما را برطرف کنند.

"زحمتکشان آواره فریب نیرنگهای رژیم ارتجاعی را نخواهند خورد".

● وضعیت آوارگان ساکن را مهرمز

آوارگان مستقر را مهرمز هم مانند سایر نقاط با کمبود شدید مسکن، غذا و بهداشت روبرو میباشند. به علت کمبود امکانات پزشکی

و دارویی و نبود بهداشت و نظافت در محل سکونت زمینه شیوع بیماریهای مختلف از شبهه گرفته تا اسهال و اسهال و چشم درد و بویژه در بین کودکان، خطر صدای بشمار میآید. در همین رابطه فرزندی که زن عرب به طاعت تسبی شدید و نبود پزشک، یک پایش فلج میشود. اکثراد و پاسه خانوار درون یک اتاق مدرسه با جایی مشابه زندگی میکنند و مدای از آوارگان در کنار خیابان بسر میبرند. و در مقابل خواستشان برای مسکن شهردار رژیم ارتجاعی پاسخ سرالافشا میدهد.

باز هم بگذاریم ارتجاعی جمهوری اسلامی در بیرون و کرانید مد که آوارگان را از همه گونه وسائل رفاهی برخوردار میکند. اما حقایق را نمیتوان پوشاند. رژیم بر مصای ماهیت ضد مردمی خود نمیتواند کوچکترین کاری بنفع زحمتکشان انجام دهد.

● وضعیت جنگ زدگان خوزستانی

در دانشگاه صنعتی اصفهان

آوارگان اسکان داده شده در اینجا هم مانند سایر نقاط از نظر احتیاجات اولیه در مضیقه هستند و رژیم ارتجاعی بابی - اعتنایی خود به فلاکت آنها خشم انقلابی آنها را لحظه به لحظه افزونتر میکند. علاوه بر مرگ و میر کودکان در اثرها، روزانه ۲۰۰ تا ۲۰۰ نفر که به علت نبود پتو و سایر وسایل گرمکن آنفولانزا گرفتارند پشت در بیداری بانتظار می نشینند.

وقتی زنان زحمتکشان برای گرفتن شیر برای کودکانشان به مسئولین مراجعه میکنند، به جای شیر باغش و ناسازگار میباشند، از کمک هایی که مردم میکنند هیچ خبری نیست و زن زحمتکشی میگفت: "انگار ما از جیب پدرشان میخوریم، جنگ را خودشان برآه انداخته و ما را بی خانمان کرده اند و الا ن فکر میکنند که به ما صدقه سر میدهند".

علاوه بر اینها رژیم علاوه بر اتان کردیها در میان آوارگان جاسوسی گماشته تا از هر گونه حرکت و روحیه انقلابی آنها با خبر گردد. نفرت بر این رژیم که توده ها را آواره کرده، آنها را تحت سختترین شرایط قرار داده و در میان آنان به جاسوسی میزدازد.

● وضعیت آوارگان مستقر در

اداره "مالاریای کرمان"

عدای از زحمتکشان آواره در اداره مالاریای کرمان مستقر شده اند. وضعیت بهداشتی آنان مانند سایر شهرهای شاهه بسیار افتاد است، تعداد شیرهای آب کم و

جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار میآورد

گفتگو با یک جنگ زده خرمشهری

گروهی از کارکنان جنگ زده آموزش و پرورش در ساختمان مرکزی اسرور اسبابه در مسدان فاسطین جمع شده بودند. رمورد که ساروس را گچ گرفته بودند علتش را پرسیدم با صدای گرفته و خسته پاسخ داد: "یک سرده شدن و دوشربای جیش امانت کرده ادا مداد در خر میبرهنگامه برای لحاظ بچه ها به اردو حاسبه سروی رفته سیر خورده ولی بواسطه جان بچه را نجات دهد". علت آمدن را سارا داره پرسیدم آهی کشید و جواب داد: "از دست این بیشر فیه، شوهر خواهرم در خر شهر کشته شده، معلم بود، آمده اسم حقوق را بگیرم. با هزار درد بخشی و در بدی و برمان بران روانه استخامان کرده اند. حالا برادرم رفته سس خوشبیا سسید حه میگوید. در مورد خانه ر زندگستان پرسیدم گفت: "ای بابا خونه و زندگی دیگه کجا بود، همرا عراقیها سوزاندند و غارت کردند و بردند عراق، دیگه خونه و زندگی وجود نداره که سغایی بدهد. همه مردم تمام هستی خود را بیا دادند. فقط در خانه هایی که کدکده اند زندگی میگردم. راد سوسوسون همراش دروغ میگه که در هوا زوعرب خبری نیست. اینها یک مشت بیشر فیه سسیدند. این لباس که سس ماست مال مردم است آمدیم شهران و سربار آسای دوری شدیم. سسرا همرا برای پانسمان دسم باره کردند و سلوارم راهم بخاطر نام. پرسیدم فکر میکنی این جنگ بفع کیست؟ جواب داد: "خوب، معلومه بفع خودشان" ادا مداد: "بله این جنگ تنها سودر ما به داران دو کشور است و بضرر ما زحمتگان. تا زیانت را باز میکنی که با بانون نیست، نفقت نیست... و... میگویند حرف زن وضعیت جنگه. جنگ هم بیهانه خوسی شده، مگر قبل از جنگ همطور نبود؟ در این موقع برادرش برکت و گفت: "هیج جواب منمهی ندا دوگفت بیروید تا بعد" و سس با خیم و نفرت به رژیم و فریاد زنای خدا حافظی کردند و رفتند (۵۹/۸/۱۸).

نفسه از صفحه ۱

شربت ها محل شده اند یعنی بزبان ساده حالاکه سس می توانیم سارا استخما رکنیم، باید بیگاری بکنیم. سارو که رگران این بندر همجنسان ادا مداد را! آری، در و پرور سس تراشکا رمنشود که سس جنگ سس سرمایه داران ایران و عراق فقط برای توده های مافلاکت و بدبختی به ارمغان می آورد.

نفسه از صفحه ۱

را برای سرکوب خانواده جنگ زده بکسک مطلبید که با سارا با ایجاد ربع و وحشت، مانع از سا ختن سربینه میگردد. زحمتکشان آوارمه دیگر از این کار بکشم آمده و سس محکوم کردن عمل ارتجاعی پاسداران بانها ن جنگ ارتجاعی را بیاد دشنام گرفتند.

ساواک یاستاد امداد!

رامهرمز، ۸/۲۲

ستاد امداد مستقر در یکی از دبیرستانهای رامهرمز، رمبانی به آوارگان ساکن در مدرسه میدهد که در آن از آوارگان خواسته شده که تعهد نمایند در صورتیکه مهمان یا غریبه ای به محل سکونت آنها بیاید، حتما به ستاد گزارش دهند. در غیر این صورت مسئول عواقب ناشی از آن خواهند بود! واضح است که مقصود مسئولین ارتجاعی ستاد از مهمان و غریبه، نیروهای آگاه و کمونیستی است که برای دیدن وضعیت آوارگان و توضیح علل آن به محل سکونت آنها میروند و به همین خاطر رژیم زیر پوشش ستاد امداد دست به تشکیل ساواک میزند. تا بخیال باطل خود از آگاه شدن آوارگان جلوگیری کند.

از نامه یک سرباز آگاه

در جبهه خوزستان

"... این توده های مردم و سربازان که اکثر آنها به طبقات زحمتکشان هستند میباشند که برای حفظ منافع سرمایه داران و دینی اهداف ارتجاعی تولید بورژوازی به گوشت دم تسوپ تبدیل شده و کشته میشوند. ... نیروی هوایی، مناطق سکونی عراق را بمباران میکند و توده های عراقی را کشتار هم. چنانکه خلق قهرمان کرد را در کشور خود میان بمباران و سرکوب کرده و میکند. ... من نمخواهم و آرزوی کشته شدن در جبهه و در این لباس را هرگز نداشته و ندارم و آرزو میکنم بتوانم سالم از اینجانب آمده و در جایی دیگر و در راه هدف مقدس و ولای طبعه کارگر و زحمتکشان و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق همچون دیگر پیکارگران دلیو پیکار نمایم."

توانتها اغلب کثیف میباشند. اتاقها کوچک و از لحاظ وسایل زندگی بسیار رضیفه میباشند حتی اتاقی که دیوار به دیوار با یکی از توانتها بود، حفره بزرگی داشت که بوی تعفن مضای آنان را پرمیکرد. بچه های آوارگان از رفتن به مدرسه محروم هستند، چون علاوه برنداشتن پرونده های سال قبل هزینه خرید کتاب و دفترچه برایشان میسر نمیشد.

رژیم ارتجاعی زحمتکشان آواره با صدور مکرمان و نیروهای انقلابی و اوج گیری مبارزات آنان بشدت جلوگیری نمود و با کاردن جاسوس در بین آوارگان ویراننده نمودن آنها سوسی در جلوگیری از مبارزات برحق آنان دارد اما آوارگان زحمتکشان در هر کجا که باشند مبارزه خود را بر طبقه رژیم ادامه خواهند داد!

وضعیت آوارگان خوزستانی در بروجرد

هم اکنون در حدود ۸۰۰ نفر از هموطنان جنگ زده خوزستانی که اکثر آنان بچه های کوچک میباشند در مدارس و مساجد شهر بروجرد بسر میبرند و هر سه یا چهار نفر خانوار در یک اتاق ۴×۳ زندگی میکنند. احتمال شیوع بیماریهای واگیردار بسیار است. کیفیت غذا بسیار پایین بوده و مظاهر سوء تغذیه اغلب مریض میباشند. لباس نمیتواند از کافی وجود ندارد و مسئولین ارگانهای رژیم مانع در هر گونه کمک مردم در این زمینه میشوند و به آنها میگویند که باید کمکها را به انجمن اسلامی تحویل دهند تا آنها پخش نمایند ولی مردم به علت عدم اعتقاد به رژیم ترجیح میدهند کمکها را مستقیما به آوارگان برسانند. رژیم حاکم اغلب کمکهای رایگان مردم را بابه آوارگان به قیمت گران میفروشد و با مصالح او این کمکها را می دزدند.

زخمی شدن یک زن زحمتکش

در صف کوپن

روزدوشنبه ۲۴ آبان، عده ای از مردم زحمتکشان "اسلام شهر" که برای دریافت کوپن به بانک صادرات رفته بودند به نحوه توزیع غیر عادلانه کوپن و فقر و فلاکت ناشی از این جنگ اعتراض میکنند که طبق معمول خود را با پاسداران ارتجاع روبرو میکنند، پاسداران برای متفرق نمودن مردم شروع به تیراندازی هوایی میکنند که یکی از تیرها پس از اصابت به تابلویی آتشکسته و شیشه های آن رگ گردن یکی از زنان زحمتکشان صف را پاره میکند. عده ای دیگر در حین فرار، بر اثر گیر کردن به سیمهای خاردار زخمی میشوند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست